فهرست مطالب

[اصول مهم حاکم بر تبلیغ و تربیت 2](#_Toc498583228)

[اصل سوم: اصل تدریج 2](#_Toc498583229)

[مقدمات بحث تدریج 2](#_Toc498583230)

[1. اختصاص تدریج به عالم خلق 2](#_Toc498583231)

[نظریات مطرح در تدریج و تدرج 3](#_Toc498583232)

[تأثیر تدریج در عمق جهان هستی 3](#_Toc498583233)

[2. تدریج در اعماق وجود انسان 4](#_Toc498583234)

[3. تدریج در عالم تشریع 4](#_Toc498583235)

[4. سیر تدریجی شریعت اسلام و تبلیغ معارف و احکام اسلامی 5](#_Toc498583236)

[5. اصل تدریج در عالم علم و تمدنی بشر 5](#_Toc498583237)

[6. اصل تدریج در تعلیم و تربیت 5](#_Toc498583238)

[سطوح متصوره تدریج در باب تعلیم و تربیت 6](#_Toc498583239)

[تدریج ناظر بر مراحل رشد طبیعی و تکوینی انسان 6](#_Toc498583240)

بسم الله الرحمن الرحیم

**موضوع: اصول و روش‌های تربیتی/ اصل تأثیر در تربیت**

# اصول مهم حاکم بر تبلیغ و تربیت

تاکنون به یک معنی دو اصل مهم از اصول حاکم بر تبلیغ و تربیت موردبحث قرار گرفت:

1 – رعایت توان و ظرفیت متربی، به‌عبارت‌دیگر بحث رفق و مدارا بود که حدود چند ماه محل بحث بود.

2 – بحث تأثیر مثبت و منفی و امثالهم بود که امسال موردبحث قرار گرفت.

این دو اصل، واقعاً نقش کلیدی و اساسی در همه مباحث تبلیغ و تربیت و تعلیم و امثالهم دارد، برخی از اصول بعدی، تحت تأثیر این دو مسئله، مخصوصاً اصل اول است.

## اصل سوم: اصل تدریج

اصل سوم، اصل تدریج است که خیلی سابقه و قدمت دارد؛ هم قدمت تاریخی در مباحث مربوط به تعلیم و تربیت و امثالهم دارد و هم در تعلیم و تربیت جدید غربی، یکی از اصولی است که تقریباً همه به آن اشاره می‌کنند، لذا اصل ریشه‌داری است.

این اصل زمانی که بخواهد از منظر فقهی موردمطالعه قرار بگیرد، طبعاً سؤالاتی وجود دارد، باید به آن سؤالات پاسخ داده شود و حوزه فقه در این باب روشن بشود، در ضمنِ رعایت توان متربی اشاره‌ای به این سمت کرده و بیان کردیم که قاعده رعایت توان متربی، فروعی دارد و یکی از فروعش، تدریج است.

## مقدمات بحث تدریج

در مقدمه و قبل از بیان رویکرد فقهی مقوله تدریج و شقوقی که در این زمینه است، چند مطلب بیان می‌شود که جزء کلیات بحث است:

### 1. اختصاص تدریج به عالم خلق

مطلب اول این است که تدریج برای عالم خلق است، تقسیماتی که در عالم هستی وجود دارد، تقسیم عالم به عالم خلق و أمر است، مهم‌ترین ویژگی عالم خلق به معنای خاص، تدرج و تدریج و تصرم و تحول است، از یک منظر کلان، عالم هستی به ماوراء طبیعت، به تعبیر فلسفی، مجرد و به تعبیر شرعی و دینی، عالم أمر و عالم خلق و ماده و طبیعت، تقسیم می‌شود، مهم‌ترین ویژگی عالم طبیعت و ماده، تدریج و تدرج و حرکت و انصرام و تحول است.

### نظریات مطرح در تدریج و تدرج

مهم‌ترین تقریری که برای ویژگی تدریج و تدرج و تصرم تا الآن ارائه‌شده، دو نظریه است:

#### 1. نظریه حرکت جوهریه

نظریه حرکت جوهریه در حکمت متعالیه آمده است و تبیین می‌کند که تدریج و تدرج در ذات و حقیقت جواهر عالم است، ذات جوهر مادی، متدرج و متحرک است که یکی از ابتکارات مهم ملاصدرا به شمار می‌آید.

#### 2. نظریه تجدد امثال

تقریر دیگری هست که در بحث حرکت جوهریه اثرگذار بوده و در لسان عرفا ذکر می‌شده که تجدد امثال است، در حقیقت ملاصدرا همان را تقریر و تحلیل کرده و به شکل حرکت جوهریه ذکر کرده.

تجدد امثال در کلمات عرفا زیاد است، در تقریر ابتدایی‌اش، تجدد امثال، شبیه فیلم‌هایی است که ما می‌بینیم، فیلمی که تلویزیون پخش می‌کند، آیا این‌یک صورت است که تطور پیدا می‌کند و جلو می‌آید، یا اینکه دائم صورت‌های جدید پدید می‌آید و توالی این صور به‌گونه‌ای است که انسان فکر می‌کند که در حال حرکت است، فیلم درواقع همان عکس، اما سرعت توالی‌اش موجب تصور حرکت می‌شود.

در خارج خود شخص حرکت می‌کند، اما در فیلم، درواقع عکس‌ها را کنار هم با سرعت قرار می‌دهد و تصور حرکت ایجاد می‌شود، تجدد امثال در یک تقریری شبیه این فیلم است، هرلحظه خداوند افاضه‌ای می‌کند، افاضه‌ها وقتی درجایی کنار یکدیگر قرار می‌گیرد، حرکت به شمار می‌آید.

حرکت جوهری همانی است که مرحوم ملاصدرا بیان کردند و پایه‌های بسیار قوی هم دارد، ملاصدرا چند مطلب را بیان کرده که هنوز کسی اشکالی در آن‌ها ندارد، بخصوص حرکت جوهریه‌اش این‌قدر استحکام دارد که اشکالی در آن وارد نشده است.

### تأثیر تدریج در عمق جهان هستی

تدریج و تدرج و تطور و تحول، در اساس جهان مادی و طبیعت است، تدرج و تطور، هم به لحاظ عمقی تا اعماق وجود عالم طبیعت است که تجدد امثال و حرکت جوهریه است، این‌طور نیست که فقط ظاهر تغییر می‌کند، بلکه در عمق عالم، دگرگونی مستمر وجود دارد.

از طرف دیگر ازلحاظ عرضی در عالم، خلقت جهان، در یک حرکت تدرجی ایجاد شده است، کن‌فیکون نبوده است، بلکه در شش روز ایجاد شده است، واقعیت علمی نشان می‌دهد که این عالم در عرض و طولش و عمقش و اعراض و جواهرش، متدرج و متحول است، آیا اینکه در برزخ، تطور و تحول وجود دارد، یا تکامل برزخی وجود دارد یا ندارد، محل بحث است، حتی امکان دارد در سطوح دیگری از مراتب هستی، بحث تطویر و تطور باشد.

### 2. تدریج در اعماق وجود انسان

نکته دومی که از لحاظ فلسفی مورد اهمیت است، وجود انسان است، انسان هم موجود در معرض تغییر و تحول و تطویر و تطور و تدرج است، قبل از اینکه به بحث‌های روان‌شناختی و تجارب علمی برسیم، از منظر فلسفی، انسان در همه ابعادش با حرکت و تدریج و تحول و دگرگونی سروکار دارد.

علی‌رغم اینکه علم و اوصاف روحی را مجرد می‌دانیم، اما این تدریج و تدرج و تحول در انسان و حرکت تکاملی و تدرجی او، یک امر بسیار عمیقی است، ملاصدرا جسمانیت الحدوث و روحانیت البقاء را در اصل پیدایش و وجود روح، قائل بوده و تقریراتی دارند، بعضی از تقریراتش قابل دفاع است که جسمانیت الحدوث و روحانیت البقاء هست، این نظریه ملاصدرا، عمق تطور و تحول و تدرج در ذات انسان را ریشه می‌دهد، حتی اساس وجود او، جسمانیت الحدوث است، جنبه روحانیت، به‌تدریج شکل می‌گیرد، در ادبیات دینی، تطورات انسانی فوق‌العاده موردتوجه است.

بنابراین عالم، عالم تدریج و تدرج است، با عمقی که در نظریه ملاصدرا انعکاس پیداکرده، به نحوی علم بشری، نظریه نسبیّت با این مباحث ارتباط دارد.

انسان هم موجود متطور و متدرج است، یکی از ابعادش در نظریه جسمانیت الحدوث و روحانیت البقاء تبیین شده است.

### 3. تدریج در عالم تشریع

مقدمه سوم این است که در عالم تشریع هم یک نوع حرکت تدرجی و تکاملی، در ارسال رُسُل و هم در انزال کتب شاهد هستیم، شریعت هم به معنای عام، علی‌رغم اینکه حاق واقعش در آن عالم «**إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلامُ**»[[1]](#footnote-1) ثابت است، اما تنزل دین در این عالم، یک تنزل تدریجی است، خواه در قالب ارسال رُسُل در سلسله پیامبران که یک مسیر تکاملی طی کرده و بعد سلسله ائمه، به یک معنا، مسیر تکاملی طی می‌کند و هم در انزال کتب آسمانی و مسائلی در ارتباط با این مسائل، شاهد یک نوع تدریج و تدرج و تغییر و تحول هستیم و به این صورت نیست که یک‌باره همه‌چیز درجایی تجلی پیدا کرده باشد، بلکه در طول قرن‌ها و زمان‌ها، این مسائل اتفاق می‌افتد و به نحوی هم حرکت تکاملی در آن‌ها هست، این هم یک تدریج و تدرج که در شرایع و ادیان و کتب و صحُف و رُسُل شاهدش هستیم.

### 4. سیر تدریجی شریعت اسلام و تبلیغ معارف و احکام اسلامی

مقدمه چهارم این است که در خود شریعت اسلام و تبلیغ معارف و احکام، شاهد یک سیر تدریجی و تدرج هستیم، خواه در دوره نزول قرآن کریم که شاهد هستیم، تجلیات آن عالم از طریق وحی برای بشر تدریجی بود و حداقل یک نوع نزول وحی تدریجی است، هم تبیین معارف و عرضه معارف اعتقادی تدریجی است و هم تشریع و عرضه معارف فقهی و تشریعی تدریجی است، این تدریج هم در عصر قرآن و بعثت و حضور پیامبر است و از دید مابعد از آن‌هم هست، حالت تدریج در تبلیغ معارف و احکام وجود دارد.

این چهار مقدمه، جزء پرونده‌های دور و مباحث کلان حاکمیت اصل تدریج و تدرج بر این جهان است.

در مقدمه اول بیان شد که این اصل حرکت تدریج و تدرج و تحول و تطور حاکم بر تمام طبیعت عالم در همه ابعاد است، مقدمه دوم بیان شد که این اصل در شکل‌گیری شخصیت انسان و پیدایش انسان و شخصیت و انسان به معنای عام و خاص، تجلی کرده و حاکم است، در مقدمه سوم بیان شد که این اصل به نحوی در کلیت شرایع حاکم است، در مقدمه چهارم بیان شد که در خود شریعت اسلام در ابعاد مختلف، شاهد یک سیر تدریجی و تدرج هستیم.

### 5. اصل تدریج در عالم علم و تمدنی بشر

مقدمه پنجم این است که خود بشر در نگاه عام ازلحاظ علم و تمدن و امثالهم، به‌تدریج عرصه‌هایی را کشف می‌کند، اصل تدرج در تمدن بشری و شخصیت اجتماعی و علمی و فرهنگی حاکم است.

### 6. اصل تدریج در تعلیم و تربیت

مقدمه ششم که یک مقدار به بحث نزدیک‌تر می‌شود که در اصل تدریج، تعلیم و تربیت توصیه می‌کند، در این مقدمه وقتی تدریج گفته می‌شود، چند سطح در اینجا متصور است:

## سطوح متصوره تدریج در باب تعلیم و تربیت

### تدریج ناظر بر مراحل رشد طبیعی و تکوینی انسان

یک‌بار اصل تدریج را به آن مراحل رشد ناظر می‌دانیم، در اینجا مقصود این است که هر فرد بشری در سنین گوناگون، ویژگی‌هایی دارد و یک مسیر تعالی و رشد را می‌پیماید، از قدیم هم به بیان‌های مختلف بوده، در شرع و دین هم وجود دارد، در روان‌شناسی رشد این موضوع کاملاً موردتوجه تخصصی قرارگرفته و کار زیادی هم روی آن انجام‌گرفته است. در اینجا تدریج به این معناست که هر فرد بشری در طول سال‌های عمر خود، یک ادوار و مراحلی را طی می‌کند، مراحل رشدی که در اینجا مدنظر است، هر فرد بشری از حیثی که با دیگران مشترک است، مقصود است، تفاوت‌های فردی‌اش مدنظر نیست، علی‌الاصول تیپ بشر این‌طور است که از دوران جنینی، مراحلی را طی می‌کند که مراحل رشد است، بخشی از آن رشد جنینی است و بخشی دیگر در دوران بعد از تولد است، کودکی را به پنج دوره تقسیم می‌کنند، همچنین نوجوانی و جوانی و دوران کمال و میان‌سالی و تا آخر تقسیم می‌شود.

رشد آدمیان، یک رشد قاعده‌مند تدریجی در ابعاد جسمی و روحی و علمی و شناختی و گرایشی و امثالهم است و در هر دوره‌ای هم یک ویژگی‌هایی رادارند، مرحله‌بندی در همه موارد، دقت‌هایی بالایی ندارند، اینکه انسان شناخت علمی و خیالی و عقلی دارد، از حسی به انتزاعی حرکت می‌کند، در مرحله انتقالی دقیق نیست، اما به‌هرحال علم به سمت دقت بیشتر می‌رود، همچنین تفاوت‌های فردی در این رشد تأثیر دارد، ضمن اینکه یک منحنی در تطور عقلی و معرفتی و شناختی انسان وجود دارد، اما این منحنی در میان انسان‌ها متفاوت است، حتی در انسان‌های متعارف این تفاوت وجود دارد، مرحله‌بندی بیشتر تمرکزش برای انسان‌های متعارف است، اما وقتی در دو طرف طیف قرار می‌گیرد، مقداری مرحله‌بندی ازنظر زمانی کم یا زیاد می‌شوند و بعضی از آن حتی بروز پیدا نمی‌کند، یا اینکه بارزتر ظهور پیدا می‌کند، این مسائل در روان‌شناسی بیان‌شده و کارهای زیادی هم روی این مسائل انجام شده است.

تدریج ناظر بر مراحل رشد طبیعی و تکوینی است که وجود دارد، رعایت اصل تدریج بیان می‌کند که آن‌ها باید موردتوجه قرار بگیرد که اقدام به تعلیم و تربیت بشود.

در تعلیم و تربیت، مراحل تربیت وجود دارد، مراحل تربیت؛ رعایت آن تدریج در برنامه تربیتی است، روان‌شناسی بیان مراحل رشد رادارند، اما در تعلیم و تربیت، مراحل تربیت گفته می‌شود، در آنجا توصیف می‌شود که بچه هر فردی منحنی را طی می‌کند، در اینجا گفته می‌شود که وقتی برنامه‌ریزی انجام می‌شود، منحنی باید در نظر گرفته شود.

مراحل تربیت که گفته می‌شود، بیشتر حالت تجویزی دارد، بیان می‌کند که متناظر با آن، این اقدامات انجام بشود.

معنایی دیگر در تدریج در مقدمه ششم وجود دارد و آن این است که مراحل رشد و تطور مدنظر نیستند، بلکه بیان می‌شود که هنگام شروع یک برنامه برای یک فرد، کل برنامه با کل فصل زندگی‌اش تناسب دارد، اما اینکه این فرد می‌خواهد آن برنامه در همین فصل و مرحله انجام بدهد، یک ظرفیتی دارد، نمی‌شود برنامه به‌صورت یکجا، به شکل کن‌فیکون اجرا بکند، باید این برنامه به‌صورت تدریجی انجام بشود، تدریج مراحلی نیست، بلکه برنامه‌ای است که برای همه مراحل می‌شود استفاده کرد، منتهی هر فردی که می‌خواهد تحت این برنامه قرار بگیرد، ظرفیت دفعی وجود ندارد، بلکه باید برنامه به‌صورت تدریجی برای او انجام بگیرد، هر فردی ظرفیت پذیرشی دارد و ظرفیت انسان‌ها دفعی نیست، در اینجا اصل تدریج بر اساس مراحل نیست، بلکه بر اساس ظرفیت شخص در هر مرحله‌ای نسبت به یک برنامه است.

1. **. آل‌عمران / 19.** [↑](#footnote-ref-1)